

اقتصاد جهانی

سرمایه

بانک توسعه صادرات ایران

چشم انداز و دستاوردها

دکتر محمود جامساز

صادرات با منشأ واردات که منابع تامین مالی آن فروش نفت خام است، تشکیل شده است. لذا اتلاق اقتصاد تک محصولی به رژیم اقتصاد دولتی ایران چندان هم بی مناسبت نیست.

بی تردید راهکار برون رفت از تنگنای اقتصاد دولتی بی گیری اهداف مندرج در سند چشم انداز توسعه ۲۰ ساله است که آزادسازی اقتصادی، رقابت پذیری، خصوصی سازی و توسعه سرمایه گذاری مولد و تعامل با اقتصاد جهانی را محور قرار داده است. تعامل با اقتصاد جهانی مستلزم پذیرش یک سلسله الزامات و قواعد بین المللی است که به تسهیل و اجرایی شدن این فرایند می انجامد.

قابل ذکر است که تعامل با اقتصاد جهانی از بده بستان در بازارهای مختلف جهانی چون بازارهای پول، کالا، خدمات، ارز، سرمایه، سهام، کار نشأت می گیرد و بر پایه رشد سه اصل مهم نوآوری، کیفیت و قیمت استوار است. از این رو کشورهایی در عرصه تجارت جهانی ماندگار خواهند شد که اصول سه گانه فوق را مبنای استراتژی توسعه صادرات خود قرار دهند، زیرا قطعاً حفظ، استمرار و تداوم بازار مهمتر از ورود به آن است و این امر برای اقتصاد دولتی ایران که بطور سنتی به یک کشور وارد کننده بالقوه تبدیل شده به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار است.

استراتژی توسعه صادرات بدون تقویت سرمایه گذاری های مولد و تولید ملی در یک فضای رقابت آزاد و ایجاد رابطه منطقی بین واردات و صادرات فاقد کارایی لازم است. یک صادرکننده خوب الزاماً باید یک واردکننده خوب هم باشد. بر این اساس ترکیب کالاهای وارداتی باید یک نحوی باشد که عمدتاً در خدمت تولید داخلی و با هدف صادرات قرار گیرد. به همین منظور بجای خام فروشی که همواره رابطه مبادله را به زیان کشور شکل داده است، لازم است با فراهم سازی زمینه های سرمایه گذاری مولد، توسعه صادرات کالاهای صنعتی و خدمات با ارزش افزوده بالا به جای خام فروشی، دو هدف اساسی تعقیب شود. اول رابطه مبادله به نفع کشور تغییر یابد و دوم تراز بازرگانی بدون نفت تقویت شود.

لازم به یادآوری است که سیاست های توسعه

یکی از مهمترین جلوه های جهانی شدن اقتصاد، رونق و به رشد تجارت جهانی است که بازیگران و کارگردانان اصلی آن را نهادها، سازمان ها، شرکت ها و بنگاه های فراملی و بین المللی تشکیل داده و به تدریج جایگزین دولت ها در عرصه های اقتصاد جهانی شده اند، اما دولت ها نیز در تلاش اند تا با هموارسازی مسیر تجارت جهانی سهم بیشتری از منافع جهانی را نصیب کشورهای خود سازند. به همین سبب با عضویت در سازمان ها و نهادهای تجاری و مالی بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان بین المللی کار، سازمان تجارت جهانی و غیره در جهت تقویت و تثبیت جایگاه خود در اقتصاد جهانی از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند.

در این راستا آمارهای WTO نشان می دهد^(۱) که حجم تجارت جهانی در سال ۲۰۰۶ از مرز ۲۱ هزار میلیارد دلار عبور کرده که حدود ۷۶ درصد نسبت به سال قبل آن افزایش نشان می دهد. این در حالیست که سهم صادرات و واردات از حجم تجارت جهانی بسیار به یکدیگر نزدیک بوده است.

همین آمار حاکی است که آمریکا با حجم ۲۱۲ میلیارد دلار، آلمان با ۲۰۲۲ میلیارد دلار و چین با ۱۷۶۱ میلیارد دلار رتبه ای اول تا سوم را در حجم تجارت جهانی احراز کرده اند اما در زمینه صادرات کشور آلمان با ۱۱۱۲ میلیارد دلار در صدر و سپس کشورهای آمریکا و چین به ترتیب هر یک با سهم ۱۰۳۷ و ۹۶۹ میلیارد دلار پس از آلمان قرار گرفته اند. حال، باید دید که کشور ما ایران در زنجیره تجارت جهانی از چه جایگاهی برخوردار است.

گرچه ایران هنوز به عضویت دائمی WTO نایل نشده، اما ده ها سال است که از طریق نفت با اقتصاد جهانی گره خورده و پیوندی ناقص و شکننده را شکل داده است فی الواقع ارتباط ما با تجارت جهانی از طریق نفت به شیوه ای است که هرگونه تغییر و تحولی در بازارهای جهانی نفت که عمدتاً خارج از اراده ما شکل می گیرد، تمامی گستره اقتصاد کشور را بشدت متاثر می سازد. زیرا ۸۰ درصد صادرات ما نفت و گاز است و ۷۰ درصد از ۲۰ درصد باقیمانده نیز از صادرات نفت پایه (پتروشیمی) و یا

◆ با افزایش سرمایه بانک توسعه صادرات ایران حمایت از صادرات غیر نفتی گسترش می یابد



دریافت رتبه اعتباری بانک توسعه صادرات از سوی موسسه فیچ از نقش آفرینی موثر این بانک در توسعه صادرات غیرنفتی این کشور حکایت دارد

فرمانطقه‌ای بسیاری، نظیر همسایگان شرقی و غربی آسیای میانه و قفقاز، بازار نیم میلیارد نفری آمریکای لاتین با پتانسیل‌ها و تقاضاهای بالقوه در برابر ما حضور دارند اما ما با بی‌تدبیری و سوء مدیریت، سهم بازار را به کشورهای رقیبی همچون ترکیه و امارات متحده عربی واگذار نمودیم. بطور مثال سهم ما از بازار ۲۳۷ میلیارد دلاری آمریکای لاتین در سال ۲۰۰۴ تنها ۱۴ هزارم درصد و در بازارهای آسیای میانه و قفقاز کمتر از ۳ درصد بوده است.^(۶)

علی‌احمال از آنجایی که مقدار صادرات صنعتی و خدمات به ویژه خدمات فنی و مهندسی توان و بنیه اقتصادی ملی را در انظار جهانیان به نمایش می‌گذارد. لذا باید پذیرفت که وضع موجود اقتصاد ایران به ویژه در امر تولید و صادرات جایگاه نازل مادر زنجیره اقتصاد جهانی را به تصویر می‌کشد. لذا لازم است از طریق توسعه و بهبود کمی و کیفی تولید همراه با صرفه جویی به مقیاس Economy of Scale که بهره‌وری یا به بیانی دیگر کارایی کار و سرمایه را مجموعاً در پی تخصص و تقسیم کار افزایش می‌دهد. راه خود را به سوی بازارهای جهانی بگشاییم. بی‌تردید چنین فرایندی تامین منافع مصرف‌کننده داخلی را نیز به همراه دارد. در این میان نقش بانک‌ها و موسسات تامین اعتبار به ویژه بانک توسعه صادرات ایران که با هدف ارتقاء سطح صادرات غیرنفتی و تقویت تولید ملی در سال ۱۳۷۰ تاسیس گردید، بسیار حایز اهمیت است. خدمات ارزشمند بانک توسعه صادرات از بدو تاسیس تاکنون در زمینه اعطای تسهیلات اعتباری، تامین منابع ارزی و ریالی لازم برای خرید کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه به منظور تولید فرآورده‌های صادراتی و کالاهای ورود موقت برای صادرات، تامین منابع مالی هزینه‌های قبل از صدور کالا، اعطای تسهیلات برای صدور خدمات فنی و مهندسی، تجهیز منابع مالی صادرکنندگان در مقابل اعتبارات اسنادی گشایش شده به نفع صادرکننده ایرانی توسط بانک‌های معتبر خارجی، ایجاد خطوط اعتباری، اعتبار خریدار و اعتبار فروشنده، صدور ضمانتنامه‌های ریالی و ارزی برای صادرکنندگان، اعطای تسهیلات ارزی از محل حساب ذخیره ارزی، پوشش ریسک و بیمه صادرات کالا و خدمات و سایر خدمات بانکی، بانک توسعه صادرات را در زمره قوی‌ترین و معتبرترین بانک‌های کشور قرار داده است، به گونه‌ای که بنابر تازه‌ترین گزارش رتبه‌بندی اعتباری از سوی موسسه فیچ Fitch لندن، به رتبه B+ دست یافته که درجه یک آگریم بانک^(۷) قوی در مقیاس بین‌المللی است و از نقش آفرینی موثر این بانک در توسعه صادرات غیرنفتی کشور حکایت دارد.

صادرات غیرنفتی تقریباً پس از جنگ تحمیلی در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی با شدت و ضعف پی گرفته شد. اما متأسفانه اهداف کلی برنامه‌ها محقق نشد. بطور مثال از هدف ۲۷/۸ میلیارد دلاری صادرات غیرنفتی پیش‌بینی شده در برنامه دوم توسعه، به رغم روند افزایشی صادرات تنها ۶۱ درصد یعنی معادل ۱۷ میلیارد دلار به حقیقت پیوست.^(۸) ضمن آنکه از هدف ۳۴ میلیارد دلاری صادرات غیرنفتی در برنامه سوم نیز دستیابی به ۸۳ درصد یعنی ۲۸/۴ میلیارد دلار مقدور شد.^(۹) زیرا موانع متعددی نظیر پایین بودن ارزش افزوده بسیاری از اقلام صادراتی و بالا بودن هزینه تولید محصولات صادراتی به علت سطح نازل بهره‌وری عوامل تولید، ضعف بخش‌های جانبی صادرات نظیر صنایع بسته‌بندی، حمل و نقل، سردخانه و انبار، وجود بوروکراسی و مقررات مطول و مزاحم تجارت، نبود حمایت‌های موثر نظام بانکی در زمینه تامین مالی و از همه مهمتر وجود انحصارات دولتی که مجال بروز شکوفایی اقتصادی را از بخش خصوصی سلب کرده و بسیار عوامل دیگر، موانع عمده فراروی توسعه صادرات غیرنفتی بوده‌اند. معذالک اما اعمال برخی از سیاست‌های حمایتی صادراتی نیز به ویژه از برنامه سوم به بعد به دشواری راه عبور صادرات غیرنفتی را از میان موانع متکثر گشود و زمینه‌ساز تسریع در روند رو به رشد صادرات غیرنفتی اعم از کالاهای صنعتی، صنایع تبدیلی و خدمات فنی و مهندسی در برنامه چهارم توسعه شد، به نحوی که در سال‌های اول و دوم برنامه چهارم، عملکرد واقعی از برآوردها پیشی گرفت و تنها طی این دوره بیش از نیمی از هدف ۵۲/۸ میلیارد دلاری صادرات غیرنفتی برنامه به بار نشست.^(۱۰)

البته نباید تاثیر افزایش بیش از دو برابر درآمدهای نفتی در دوره یاد شده را در تحقق این امر نادیده انگاشت. زیرا به یمن این درآمدها، اعتبارات بیشتری به بخش صنعت تعلق گرفت.

با این وجود به نظر می‌رسد کشور ما به عنوان دومین تولیدکننده نفت در سازمان اوپک با در اختیار داشتن ۱۰ درصد از ذخایر نفتی جهان و دومین کشور دارای ذخایر گاز، در زمینه ظرفیت‌سازی تولیدی متناسب با درآمدهای نفتی خود ناکام مانده است. زیرا با وجود آن که در سال گذشته به بالاترین رقم صادرات غیرنفتی در طول تاریخ اقتصاد کشور یعنی ۱۶/۳ میلیارد دلار دست یافتیم^(۱۱) معذالک سهم صادرات بدون نفت ما از کل صادرات ۱۱ هزار میلیارد دلاری جهانی تنها حدود ۱۴ صدم درصد بود که به راستی در شان کشور با عظمت و برخوردار از پیشینه تمدنی کهن همچون ایران نیست. چرا که به نسبت جمعیت کشور به کل جمعیت جهان نیز حداقل باید به صادرات یکصد و ده میلیارد دلاری دست یابیم. اما در حال حاضر سوگمندانه باید پذیرفت که به رغم ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز توسعه بیست ساله دولت را موظف به آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی و رقابت‌پذیری اقتصاد با اهدافی نظیر ارتقا تولید ملی، توسعه صادرات غیرنفتی و تعامل با اقتصاد جهانی نموده، معذالک به سبب فقدان اراده اجرایی موثر به نظر نمی‌رسد دست‌یابی به چنین هدفی در زمینه صادرات غیرنفتی طی ده سال آینده امکان‌پذیر باشد. این در حالیست که بازارهای منطقه‌ای و